

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی - پژوهشی

سال نهم - شماره دوم - تابستان ۱۳۹۵ - شماره پیاپی ۳۲

تحلیل سبک داستانهای کوتاه و برجسته دفاع مقدس دهه هشتاد با بررسی ۳۱ داستان

از شش مجموعه

(ص ۱۶۹-۱۴۹)

دکتر حمیدمصمصام (نویسنده مسئول)، ابراهیم گل‌پرور^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۰۶/۰۷

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: ۱۳۹۵/۰۶/۲۵

چکیده

داستان کوتاه در چند دهه اخیر در ایران نیز، رشد فزاینده‌ای از نظر کثرت و تنوع مضامین پیدا کرد و با شروع جنگ تحمیلی پیوند عمیق و مؤثری بین داستان کوتاه و دفاع مقدس ایجاد شد، چنانکه در سه دهه گذشته نویسندگان زیادی در این عرصه دست به تولید آثاری ارزشمند زدند. پرسش اساسی این پژوهش به این شرح است که ویژگیهای داستانهای کوتاه و برجسته دفاع مقدس، در دهه هشتاد از حیث عناصر داستانی و ساختار و محتوا چیست و چه مؤلفه و مشخصه‌هایی منجر به کشف آنها میشود؟ از این رو، نقد و تحلیل آثار گرانمایه داستانهای کوتاه دفاع مقدس از بعد عناصر داستانی، ماهیت این گونه آثار را هر چه بیشتر نزد خوانندگان و علاقمندان هویدا مینماید و به معرفی بهتر آن میپردازد. بدین منظور، در این مقاله به تحلیل عناصر داستانی سی‌ویک داستان، از شش مجموعه از داستانهای کوتاه و برجسته دفاع مقدس در دهه هشتاد پرداخته شده است تا با گذشت بیش از سه دهه از عمر این نوع از ادبیات داستانی، میزان رشد و تعالی آن در بوتۀ نقد و تحلیل قرار گیرد و به بازتاب توفیقاتی بپردازد که در آفرینش داستانهای نوین دفاع مقدس به وجود آمده است. این مقاله، به روش تحلیلی و آماری نگاشته شده و در بررسی هر اثر، شاخصه‌ها و عناصر متعددی مثل پیرنگ، شخصیت، زاویه دید، صحنه، لحن، درونمایه مطمح نظر بوده است. گردآوری و طبقه‌بندی اطلاعات بر مبنای یادداشتها و اطلاعات به دست آمده و با روش توصیفی، انجام گرفته و نتایج دستهبندی و در قالب جدولها نقد و تحلیل شده است.

کلمات کلیدی: سبک، داستان کوتاه، عناصر داستان، دفاع مقدس، دهه هشتاد

^۱ استادیار دانشگاه آزاد اسلامی زاهدان

^۲ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی زاهدان ebrahim.golparvar@yahoo.com

مقدمه:

دوران دفاع مقدس، از پربرترین دهه‌های تاریخی ایران است. تأثیر شگرف انقلاب، جنگ و دفاع، در ادبیات داستانی این دوران شاخصه‌های ممتاز و برجسته‌ای را به آن بخشیده‌است؛ به گونه‌ای که میتوان به یقین اذعان کرد ادبیات داستانی دوران دفاع مقدس و پس از آن، چه به حیث کمی و چه به حیث کیفی، فاصله چندانی با دیگر آثار برجسته داستانی ایران ندارد. داستانهای کوتاه، آرام آرام مسیر تعالی و تکامل را پیمودند و به مدد تجربه و دانش، نویسندگان بعضاً، آثاری را آفریدند که در عرصه ادبیات داستانی ایران، صرف نظر از موضوع، سالیان سال همواره خواهد درخشید.

ادبیات داستانی دفاع مقدس، با همه گستردگی و تنوع، در شالوده و شکل و شاخصه‌های فنی، در حدود سی سال داستان نویسی، بسیار نزدیک به یکدیگر است. به عبارت دیگر، با مروری بر داستانهای منتشر شده از این دوران (قبل و بعد از جنگ)، به راحتی میتوان در حوزه‌های مختلف شکلی (عناصر داستان)، محتوایی و ساختاری، منهای ویژگیهای شخصی و سبکی نویسندگان، اشتراکاتی را پیدا کرد و در ذیل مجموعه قواعدی، دسته بندی و طرح نمود.

پرسش اساسی این مقاله به این شرح است که، ویژگیهای داستانهای کوتاه و برجسته دهه هشتاد از حیث عناصر داستانی و ساختار و محتوا چیست و چه مؤلفه و مشخصه‌هایی منجر به کشف آنها میشود؟ هدف این پژوهش، آن است که شاخصه‌های سبکی داستانهای کوتاه را در شش مجموعه و ۳۱ داستان بر مبنای عناصر داستانی بررسی نماید.

در این پژوهش، به منظور دستیابی به اشتراکات ساختاری، محتوایی و پی‌بردن به مضامین محوری و تحلیل عناصر داستانها، ۳۱ داستان از شش مجموعه برجسته داستانی، از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰، با توجه به پراکندگی زمانی آن، مورد بررسی قرار گرفته است و نتایج به صورت آماری ارزیابی شده است. روش تحقیق، توصیفی - تحلیلی است. گرد آوری و طبقه‌بندی اطلاعات بر مبنای یادداشتها و اطلاعات به دست آمده با ارائه آمار و جدولها انجام شده است.

پیشینه تحقیق:

مقارن با جنگ تحمیلی، نوعی از ادبیات داستانی با عنوان «ادبیات دفاع مقدس» یا ادبیات جنگ ظهور کرد و نویسندگان زیادی وارد این عرصه شدند. در اولین ماههای شروع جنگ سیزده عنوان کتاب درباره جنگ منتشر شد که هفت کتاب آن داستان بود. حسین میرعابدینی از صاحب‌نظران این حوزه محسن مخملباف، عبدالحی شماسی و سیروس طاهباز را از نویسندگان داستانهای جنگ میدانند. آثار دوره آغازین این جنبش نشان از تفوق محتوا بر ساختار داشت اما به مرور تناسبی بین آن دو به وجود آمد و هر چه به زمان حال نزدیکتر میشویم، آثار قالب و فرم بر محتوا برتری می‌یابد.

تحلیل عناصر داستانی و سبکی آثار دفاع مقدس، متناسب با رشد فزاینده آن، (تألیف آثار جدید) مورد توجه قرار نگرفته است. هر چند آثاری از قبیل؛ «کندوکاوی پیرامون ادبیات داستانی جنگ و دفاع مقدس» از «محمد حنیف»، «جنگی داشتیم داستانی داشتیم» از «کامران پاسی‌نژاد» و «۱۴ مقاله درباره داستان»، در

این زمینه به نگارش درآمده و برخی نویسندگان و صاحبان نظر درباره برخی از این آثار اظهار نظر کرده‌اند؛ اما چنان که در خور نویسندگان این دوره باشد، مورد توجه قرار نگرفته و به جنبه‌های سبکی و محتوایی و تحلیل عناصر داستانی در این سطح پرداخته نشده است.

ضرورت تحقیق:

چنان که میدانیم، بررسی و تحلیل عناصر داستانی، از شاخه‌های نقد ادبی است. لذا این پژوهش، محقق را قادر می‌سازد تا بر اساس مکاشفات علمی و مبتنی بر شاخصه‌های ساختاری اثر، آن را بررسی کند و با قضاوتی منطقی آثار داستانی را توصیف نماید. این دیدگاه، با کل‌نگری و در نظر گرفتن مجموعه‌ای از آثار، در صدد است تا آنها را در کنار یکدیگر بسنجد و جوهر ادبی متون را از حیث عناصر داستانی کشف کند. این تحلیل، باعث می‌شود تا مخاطب، از سیر تحول و تکامل یک موضوع ادبی آگاه گردد و با یک نگاه کلی، بتواند نسبت به تمامیت آن قضاوت کند. از طرفی خوانندگان می‌توانند آثار برجسته را بهتر بشناسند و نویسندگان نیز از تألیف آثار بسست و ضعیف پرهیز خواهند کرد.

معرفی مختصر آثار:

مجموعه آثاری که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته عبارتند از: «ویزای بهشت» از عباس جعفری مقدم، «من قاتل پسران هستم» از احمد دهقان، «سرپیچی از پیچهای هزار چم» از محمد بکایی، «آواز پرواز» از راضیه تجار، «سه دختر گل‌فروش» از مجید قیصری و «در سکوت سرد» از محمد علی گودینی. آثار برجسته داستانهای کوتاه یک دهه، از جوانب گوناگون مورد ارزیابی قرار گرفته، تا انتخابها از میان بهترین و سرشناسترین نویسندگان دفاع مقدس انجام گیرد. به طوریکه هر کدام از این نویسندگان دارای مشخصه‌های سبکی خاص و آثار متعددی در زمینه دفاع مقدس و بویژه، داستانهای کوتاه هستند. در این پژوهش؛ پنج داستان از ویزای بهشت، پنج داستان از من قاتل پسران هستم، پنج داستان از سرپیچی از پیچهای هزار چم، پنج داستان از آواز پرواز، هفت داستان از سه دختر گل فروش و چهار داستان از مجموعه در سکوت سرد، تحلیل و ارزیابی شده است.

۱- شخصیت:

بسیاری از منتقدین و صاحبان نظر، شخصیت را مهمترین عنصر داستانی می‌دانند. یونسی معتقد است «مهمترین عنصر منتقل کننده تم داستان و مهمترین عامل طرح داستان، شخصیت داستانی است.» (یونسی، هنر داستان نویسی: ۱۳۸۸)

در بررسی عنصر شخصیت، در مجموعه داستانهای طرح شده در این نوشتار، میتوان چند محور را در شخصیت شناسی داستانهای کوتاه دفاع مقدس در طی یک دهه، پیدا کرد. برخی از شاخصترین محورها عبارتند از: جنسیت شخصیتها، تعدد شخصیتها، حقیقت ماندنی شخصیتها، توصیف شخصیتها و نحوه شخصیت پردازی، پویایی و ایستایی شخصیتها، مطلق‌گرایی در ترسیم شخصیتها و نقش و کارکرد شخصیتهای داستان. در این بخش، بر اساس محورهای یاد شده، نتایج به دست آمده، طرح خواهد شد.

۱-۱- جنسیت:

در مجموعه ۳۱ داستان بررسی شده، ۱۹۱ شخصیت داستانی حضور دارند. از این تعداد، ۴۷ شخصیت، زن و بقیه شخصیتها، مرد هستند. بر اساس این آمار، میتوان به اطمینان، گفت تفکر غالب نویسندگان داستانهای دفاع مقدس، مردگرایی و مردسالاری است. حدود ۷۵ درصد شخصیتها را مردان و باقی را، زنان،

تشکیل می‌دهند. نکته دیگری که در بررسی آماری جنسیت شخصیتها و کنشهای داستانی این شخصیتها حائز اهمیت به نظر میرسد، آن است که در تمامی داستانها، شخصیت اول داستان همواره مرد است به استثنای داستانهای مجموعه‌های «ویزای بهشت» از عباس جعفری مقدم و «آواز پرواز» از راضیه تجار؛ که البته در این مجموعه نیز، با نگاهی دقیقتر میتوان گفت سایه تفکر مردسالاری، در شخصیت زن پیداست. به عبارت دیگر، زن هویت واقعی و تکامل یافته خود را در وجود مرد میبیند. چه در این دو مجموعه و چه دیگر مجموعه‌ها، محور حوادث عمدتاً مردان هستند و عموماً شخصیت زنان جنبه فرعی و نقش عاطفی و روحی، در جریان روایت داستان دارد. البته این سخن، بدان معنا نیست که زنان در جنگ و دفاع مقدس نقشی نداشته‌اند بلکه، همواره در طول هشت سال جنگ تحمیلی در پشت جبهه و به ویژه در دوران پس از جنگ، در لباس همسران جانبازان، چنان پرستارانی صبور و قهرمان، همواره نقطه اتکای فکری و معنوی بوده‌اند. برتری عددی شخصیت مردان در داستانهای کوتاه جنگ و رویکرد مردسالاری، میتواند دارای دلایلی باشد که به برخی از آنان، اشاره خواهد شد:

۱-۱-۱- عینیت گرایی نویسندگان:

نویسندگان داستانهای جنگ و جبهه، عمدتاً کسانی بوده‌اند که یا از نزدیک تجربه جنگ داشته‌اند و یا به روایت جنگ و دفاع مقدس، از منظر رزمندگان در درون جبهه‌های جنگ پرداخته‌اند. هر یک از این دو شیوه، طبعاً منجر خواهد شد که نویسنده، خود را در چهارچوب شخصیت‌های عینی محصور کند. به عبارت دیگر، عمدتاً نویسندگان، در درون جبهه‌ها با مردان مواجه بوده‌اند و از آنجا که عینیت‌گرایی و نقل مستقیم تجربه‌های جنگی را وجهه همت خود کرده‌اند، عموماً خودآگاه یا ناخودآگاه، غالب شخصیت‌های داستانی خود را از مردان برگزیده‌اند؛ بی آنکه قصد کمرنگ کردن حضور و نقش زنان را در جنگ داشته باشند.

۱-۱-۲- جنگ و دفاع، تکلیف شرعی مردان:

واقعیت شرعی جنگ و دفاع از تجاوز و ایستادگی در برابر دشمن، بر عهده مرد نهاده شده‌است. چنانکه در طول تاریخ نیز همواره از شرکت و حضور مردان در جنگها و مبارزات سخن به میان آمده است. از این رو نویسنده با وقوف بر این موضوع و حاکمیت این نوع نگرش در ذهنیت ناخودآگاهش شخصیت‌های داستانی خویش را از مردان برمیگزیند.

۱-۱-۳- کم توجهی نویسندگان به نقشهای اجتماعی و روانی زنان به ویژه در جریان دفاع:

اگرچه در دهه‌های اخیر، گفتگو درباره نقش زنان در جریان دفاع مقدس و دوران پس از جنگ، پررنگتر شده است اما، حقیقت مطلب آن است که در نگاه عموم مردم و حتی خود نویسندگان، این اعتقاد وجود دارد که در جریان جنگ، زنان همواره نقش اجتماعی اثر کمتری داشته‌اند. این فرض مسلم، طبعاً در آثار داستانی نمود یافته و منجر شده است که غالب شخصیتها، در چنین آثار از مردان انتخاب شود.

۱-۱-۴- غلبه تفکرات مرد سالارانه در جامعه سنتی و شرقی:

نگاه مردسالارانه، حتی در ادبیات زنانه در آثار داستانی ما، در حوزه‌های موضوعی مختلف، همواره مورد انتقاد جامعه فمینیستها بوده است. این نگاه، در جوامع شرقی، اگرچه در دهه‌های اخیر به سمت تعادل و حتی برابری نقشهای اجتماعی زنان پیش رفته است اما، در دوران جنگ و سالهای پس از آن، جامعه شرقی

ایران و بافت فرهنگی آن، این فرصت را به بیشتر در اختیار مردان نهاده است تا در صحنه‌های برجسته اجتماعی و سیاسی، خود را نشان بدهند و اثبات نمایند. بازتاب این حقیقت فکری در جامعه سنتی ایران، طبعاً در داستانهای کوتاه نیز، نمود یافته و باعث شده است نویسندگان، عمده شخصیت‌های داستانی خود را از مردان برگزینند.

۱-۵- غلبه نویسندگان مرد نسبت به نویسندگان زن در جریان داستان نویسی:

شاید یکی از عوامل مؤثر در غلبه عددی مردان در داستانها، ناشی از آن باشد که بیشتر نویسندگان داستانهای جنگی و دفاع مقدس را مردان، تشکیل میدهند. با مروری کوتاه بر کتابشناسی داستانهای جنگ این امر، روشن میشود که تنها تعداد اندکی از نویسندگان را زنان، تشکیل میدهند. بنابراین، بدیهی است از آنجا که نویسندگان عمدتاً مردان هستند، شخصیت‌های داستانها را نیز غالباً مردان، تشکیل دهند.

۱-۶- عدم سازگاری هویت جنگ و خشونت با ساختار شخصیتی زنان:

حقیقت جنگ، خشونت مرگبار انسان در برابر انسان است؛ حتی اگر جنبه تدافعی داشته باشد. به حیث روانی و ساختار شخصیتی، زنان مناسب فضاهای خشن و درگیرانه نیستند. از این رو، ساختار داستان مبتنی بر این فضا، ایجاب می‌کند جز در موارد ضروری، از شخصیت‌های زن در داستانهای جنگی، استفاده نشود و اگر هم این ضرورت ایجاد شد، زن در مرتبه دوم شخصیتی، نسبت به مردان قرار گیرد. تقریباً در هیچیک از داستانهای بررسی شده، حضور زن به تنهایی محور حوادث نبوده است و مردان همواره تقدم خویش را حفظ کرده‌اند.

۱-۲- تعدد شخصیتها:

در داستان کوتاه، مناسبتر آن است که به حیث فنی، تنها یک شخصیت محوری طرح گردد و تمامی حوادث و سوژه‌های داستانی بر محور او بچرخد. البته، بدیهی است گاهی شخصیت محوری با قرار گرفتن در یک محیط اجتماعی شلوغ و پر تعداد، عینیت و ملموستر میگردد. در این هنگام، نویسنده طبعاً، ناچار است شخصیت‌های فرعی را نیز در داستان خلق کند که با انسجام در شخصیت محوری، منافاتی نخواهد داشت. در ۲۸ داستان، قهرمان داستان یک نفر است اگرچه در برخی از مجموعه داستانها؛ مثل «ویزای بهشت» و «آواز پرواز»، تعدد شخصیتی دارند اما محور شخصیت‌های داستانی آنها، تنها یک فرد است و بقیه شخصیتها، حول محور او ایفای نقش کرده، در درجات دیگر شخصیتی قرار میگیرند.

توزیع شخصیت‌های داستانی، در داستانهای کوتاه دفاع مقدس، تناسب مشخصی ندارد و با سیر پیشرفت فنی داستان کوتاه از دهه شصت، نمیتوان گفت تعدد شخصیتی، به صورت قطعی بیشتر یا کمتر شده است. اگرچه به صورت نسبی، احساس میشود هرچه به سمت دهه هشتاد، جلو میرویم، شخصیت‌های داستانی حاضر، بیشتر میشوند. در میان مجموعه داستانهای بررسی شده، بیشترین جمعیت شخصیتی را «ویزای بهشت»، در سال ۱۳۸۷، از عباس جعفری مقدم و «آواز پرواز» راضیه تجار در سال ۱۳۸۶ به خود اختصاص داده‌اند. در این دو مجموعه، داستان «عطر دان و سنگ» از مجموعه آواز پرواز ۱۵ شخصیت داستانی دارد. این

مجموعه داستان، به حیث جنسیتی نیز با هفت شخصیت زن، بیشترین جنسیت زن را در میان تمام مجموعه‌ها در خود گنجانده است.

نکته قابل ذکر دیگر در مجموعه داستانهای کوتاه، آن است که حدود ۲۲ درصد از داستانها، حداکثر سه شخصیت دارند و فقط یک داستان تک شخصیتی است.

۱-۳- حقیقت‌مانندی و مطلق‌گرایی:

جلب اعتماد خواننده، در جریان روایت داستان، مهمترین نکته‌ای است که یک نویسنده، هیچگاه نباید از آن غافل گردد. نویسنده توانمند بگونه‌ای، طرح روایی داستان را شکل میدهد که به حقیقت‌های عینی اجتماع اطراف خود و خواننده نزدیک باشد. این نزدیکی به حقیقت‌های عینی و تجربی باعث میشود خواننده طرز تفکر و بینش شخصیتها را بپذیرد و با آنان همراه شود. از مهمترین راهکارهای جلب اعتماد مخاطب، حقیقت‌مانندی است. داستانهای کوتاه دفاع مقدس، از زمره داستانهایی هستند که شاید بتوان گفت تخیل و تفنن، در آن جایگاهی ندارد.

با بررسی مجموعه داستانها، به یقین میتوان گفت داستانهای کوتاه دفاع مقدس، عمدتاً واقعیت‌گرا هستند. شخصیتها، یکی از اصلیترین عناصر هر داستان هستند. داستانهای دفاع مقدس، عرصه ظهور شخصیت‌های متعددی از جنس مردم است. نویسندگان اینگونه داستانها، با توجه به واقعیت‌های صحنه‌های جبهه و جنگ و پس از جنگ، به طور کلی چند دسته از شخصیتها را پرورده‌اند.

دسته اول: شخصیت‌های ایثارگر، پاک و شهادت طلب و به تعبیر کلی، مطلق و سفیدند. این شخصیتها نماینده اندیشه‌های مقدس، دینی و میهن پرستانه هستند. اینگونه شخصیت‌ها، مسطح و ساده‌اند. به راحتی، درک میشوند و رفتارشان قابل پیش‌بینی است. عقاید و آرمانهای و باورهای غیرقابل تغییر دارند و در اثر حادثه و شرایط تغییر وضعیت نمیدهند.

دسته دوم: از شخصیتها، اشخاص پویا و تغییرپذیرند. اینگونه افراد، منفعل نیستند؛ باورهاشان پیوسته در معرض تغییر و تبدیل است. آنها با گرایش مثبت یا منفی به جنگ، عموماً در پایان داستان، موضعی متفاوت میگیرند. روحیاتشان نسبتاً پیچیده است و در روایت داستان، از شیوه‌های جریان سیال ذهن و تک‌گوییها برای طرح این شخصیتها استفاده میشود.

دسته سوم: از شخصیت‌های داستانهای دفاع مقدس، شخصیت‌های متضاد و مقابل هستند. اینها، در حقیقت هویت دشمن و نیروهای مهاجم را به تصویر میکشند. این شخصیتها، عموماً سیاه و پلیدند. از خصایص انسانی، بویی نبرده‌اند. نویسندگان این شخصیتها را عمدتاً، در شکنجه‌ها و انسان‌کشیها به تصویر میکشند. داستانهای دفاع مقدس، در بهره‌گیری و ترسیم چهره این سه گروه شخصیتی، در سه برهه زمانی قابل تقسیمند. برهه اول، داستانهای دهه اول جنگ است. در این دوره، عمده تصاویری که از شخصیتها عرضه میشود، در جبهه‌های خودی، شخصیت‌های ساده و از نوع اول هستند. این شخصیتها مطلقند. اسطوره‌ای و دارای خوی و خصلتهایی ماورایی هستند. اشتباه نمیکند. پیوسته به مقاومت و جهاد در برابر کفر می‌اندیشند.

نویسندگان در دهه اول، عمدتاً دچار یکسویه نگری و شتابزدگی در نوشتن داستان و ترسیم شخصیتها هستند. توجه صرف نویسندگان به صحنه‌های جنگی و تلاش عمده در روایت گزارش‌گونه و خاطره‌وار داستان، باعث شده است شخصیتها، بعضاً بی‌هویت و فاقد پیشینه درستی از باورها و علایق باشند. نویسندگان، در این دوره، به حسب احساس تکلیف، بویژه در اوایل این دهه از سر بی‌تجربگی، عمدتاً چهره اشخاص داستانی را آرمانی و ایده‌آل‌گرا و به دور از صحنه طبیعی زندگی ترسیم میکنند. این نویسندگان، با همین رویکرد یکسویه، تصویری که از جبهه مخالف نشان میدهند، تصویر یک بعدی است. شخصیت‌های دهه دوم، شخصیت‌های نزدیکتر به صحنه‌های حقیقی جنگ و زندگی‌اند. یکسره سیاه یا سفید نیستند. در افکار و اعمالشان، نشانه‌هایی از لایه‌های خاکستری پیداست. شخصیت‌های این دهه، بعضاً در جنگیدن و جنگیدن، تردید میکنند و از نابسامانیهای پس از جنگ و آسیب‌هایی اقتصادی و مشکلات اجتماعی خود، انتقاد میکنند. داستانهای این دهه، به سمت و سوی اعتدال پیش رفته است و در جایگاهی میانه، بین دهه اول و سوم قرار گرفته‌اند.

شخصیت‌های دهه سوم، روحیاتی متفاوت دارند. در میان این آنها، اشخاصی هستند که چندان اعتقاد به حضور در جبهه ندارند. در داستانهای این دهه، افرادی به تصویر کشیده میشوند که ممکن است به زور و جبر، به جبهه‌ها آمده باشند. به آسیب‌های جنگ‌های انسانی به چشم انتقاد و اعتراض می‌نگرند. برخی دیگر از شخصیت‌های این دوره، با حضور در جبهه‌ها تغییر می‌یابند و پس از دیدن صحنه‌های شهادت و رشادت، متحول میشوند.

در مجموع، از مطالب یاد شده میتوان نتیجه گرفت که سیر نگاه مطلق‌گرایانه در داستانهای جنگ و تنوع زیستی و فکری شخصیتها، نسبت به آغاز این جریان، رو به تعادل حرکت میکند با مقایسه برخی مجموعه داستانهای این دوره همچون «من قاتل پسران هستم» با مجموعه داستانهای دهه‌های گذشته این نکته روشن میشود که نگاه نویسندگان به اینگونه آثار فرق کرده است و با پرهیز از مطلق‌گرایی و لزوم نگاه همه‌جانبه با آثار داستانی جنگ، پی به این آسیب داستانی برده‌اند و در ساختار فنی داستان، کوشیده‌اند آن را رفع نمایند.

۱-۴- توصیف شخصیتها و نحوه شخصیت پردازی:

شخصیت‌های داستان، به طور کلی به دو شیوه مستقیم و غیرمستقیم شناسانده میشوند. شیوه مستقیم عمدتاً از طریق توصیف و تشریح مستقیم و بیواسطه نویسنده از ظواهر و روحيات و خصایص اشخاص داستانی، صورت می‌گیرد. ولی در طریقه غیرمستقیم، نویسنده سعی میکند از طریق اعمال، کردار، گفتار و اسامی، شخصیت را شناساند.

در داستانهای دهه نخستین دفاع مقدس، بیشتر نویسندگان، سعی میکنند به طریقه مستقیم، اشخاص داستانی را معرفی نمایند. اما در دهه مورد بحث ما، نویسندگان با تغییر رویه، با استفاده از شیوه غیر مستقیم، با توجه به نقش گفتگو و کنش، سعی میکنند در اثنای داستان، شخصیت را در معرض دید قرار دهند.

بطور کلی میتوان گفت، شیوه‌های شخصیت پردازی به صورت توأمان، در طول داستانهای کوتاه دفاع مقدس پیوسته به چشم می‌خورد و به نسبت پخته‌تر شدن قلم نویسندگان داستانها و بیشتر شدن تجربیات حاصل شده، این روند از سمت روشهای مستقیم به غیرمستقیم میل میکند.

۱-۵- پویایی و ایستایی شخصیتها:

از عیوب جدی و یقینی داستانهای کوتاه دفاع مقدس، ترسیم شخصیت‌های عمدتاً ایستاست. نگاه مطلق گرایانه و آرمانی به شخصیتها، طبعاً پویایی و سیر تکاملی شخصیتها را از داستان میگیرد. وقتی نویسنده‌ای در داستان، شخصیت خویش را چنان ایده‌آل و پاک و مطهر از هرگونه خبط و خطا، در چهره‌ی یک فرا انسان، به تصویر میکشد، طبعاً فرصت پویایی در داستان از شخصیت، سلب میشود. از مجموع شخصیت‌های داستانی بررسی شده، کمتر از پنج درصد از شخصیتها پویایی دارند و در جریان داستان، رو به سوی نقطه تکامل حرکت میکنند و در جریان داستان، تصمیم ساز و تصمیم گیرند. مجموعه داستان «آواز پرواز»، از منظر پویایی آن هم در برخی داستانها، بهترین مجموعه داستانی است.

۱-۶- نقش و کارکرد شخصیت‌های داستان:

شخصیت‌های داستان اعم از زن و مرد، هر یک وظایفی بر عهده دارند. کنشهای داستانی هر یک از شخصیتها، مناسب با جایگاه و هویت آنان در داستان صورت میگیرد. مردان، در داستانها عمدتاً در خط مقدم جبهه و حضور مستقیم در جریان جنگ، ایفای نقش میکنند. در تمامی داستانهای کوتاه بررسی شده، کنشها و اعمال داستانی متناسب به مردان، مناسب شأن و جایگاه آنان و مطابق انتظار مخاطب از شخصیتهاست. شخصیت‌های مردان، در داستانها، با همه خصایص معنوی و اجتماعی و...، از قشرهای مختلف برگزیده شده و به حیث شمول و تنوع اعمال داستانی، شرایط مناسب دارد. در مقابل مردان که در جنگ حضور مستقیم دارند، حضور زنان در دوران جنگ و پس از آن در نقشهای متناسب با آن اعم از همسر مادر شهدا و جانبازان، تزریق امید و ایمان در دل فرزندانشان در بمبارانها، ترسیم شده است.

۱-۷- نگاه آماری به شخصیت:

در یک نگاه کلی، شخصیت‌های داستانهای کوتاه دفاع مقدس در دو دهه را بر اساس شاخصهای مطرح شده در قالب جداول و نمودارها ذیل ارزیابی کرد. تحلیل جداول ذیل، مؤید مطالب یاد شده است:

۱- مجموعه داستان «ویزای بهشت»:

جدول (ویزای بهشت)

نام مجموعه داستان	تعداد شخصیت	جنسیت		هویت شخصیت			گرایش - غالب شیوه معرفی		نوع شخصیت	
		زن	مرد	مبتدئ	مبتدئ	متعالی	مستقیم	غیر مستقیم	پویا	ایستا
مرد توفان ویزای بهشت	۱۰	۷	۳	۱۰				*	۱	۹
	۱۰	۹	۱	۹	۱			*		۱۰

تحلیل سبک داستانهای کوتاه و برجسته دفاع مقدس دهه هشتاد با بررسی ۳۱ داستان از شش مجموعه/۱۵۷

۷		*			۷	۲	۵	۷	سایه هما
۱۱			*		۱۱	۱	۱۰	۱۱	موجی
۷			*		۷		۷	۷	آخرین فشنگ

۲- مجموعه داستان «من قاتل پسران هستم»:

جدول (من قاتل پسران هستم)

نوع شخصیت		گرایش غالب شیوه معرفی شخصیت		هویت شخصیت			جنسیت		تعداد شخصیت	نام مجموعه داستان	من قاتل پسران هستم
ایستا	پویا	غیر مستقیم	مستقیم	متعادل	منفی	مثبت	زن	مرد			
۷		*				۷	۳	۴	۷	مسافر	
۴		*				۴	۱	۳	۴	بلدرچین	
۵			*			۵	۱	۴	۵	زندگی سگی	
۵			*			۵		۵	۵	من قاتل پسران هستم	
۱			*			۱۷	۳	۶	۹	بن بست	

۳- مجموعه داستان «سرپیچی از پیچهای هزار چم»:

جدول (سر پیچی از پیچ های هزار چم)

نوع شخصیت		گرایش غالب شیوه معرفی شخصیت		هویت شخصیت			جنسیت		تعداد شخصیت	نام مجموعه داستان	پیچ های هزار
ایستا	پویا	غیر مستقیم	مستقیم	متعادل	منفی	مثبت	زن	مرد			
۲			*			۱	۲	۲	۳	صدایی که فرمانها داده بود	
۹	۱	*		۲		۸	۲	۸	۱۰	روز دوازدهم	
۵			*			۵	۲	۳	۵	همه مرده بودند	

۳			*		۱	۲		۳	۳	پشت تپه
۵		*				۵		۵	۵	کاسه‌ی چل کلید

۴- مجموعه داستان « آواز پرواز »:

جدول (آواز پرواز)

نام مجموعه داستان	تعداد شخصیت	جنسیت		هویت شخصیت			گرایش غالب شیوه - معرفی شخصیت			نوع شخصیت	
		زن	مرد	مبئن	منفی	متعادل	مستقیم	مستقیم غیر	پویا	ایستا	
آواز پرواز	۵	۴	۱			۲				۵	مردانی این چنین
	۹	۶	۳	۹				*		۹	تنها صداست - که می ماند
	۱۵	۸	۷	۱۲		۳		*	۱	۱۴	عطر دان و سنگ
	۴	۲	۲	۳				*	۱	۳	زیر باران
	۱۰	۷	۳	۱۰				*	۱	۹	پرواز سبز

۵- داستان «در سکوت سرد»:

جدول (در سکوت سرد)

نام مجموعه داستان	تعداد شخصیت	جنسیت		هویت شخصیت			گرایش غالب شیوه معرفی شخصیت			نوع شخصیت	
		زن	مرد	مبئن	منفی	متعادل	مستقیم	مستقیم غیر	پویا	ایستا	
تپه رحمان	۳	۲	۱	۲				*		۳	

تحلیل سبک داستانهای کوتاه و برجسته دفاع مقدس دهه هشتاد با بررسی ۳۱ داستان از شش مجموعه/۱۵۹

۸			*	۳	۱	۴	۱	۷	۸	سکوت سرد
۴	۱	*			۲	۳		۵	۵	عاشورا در موصل
۳		*			۱	۲	۱	۲	۳	همساده

۶- مجموعه داستان «سه دختر گل فروش»:

جدول (۵-۲-۶) (سه دختر گل فروش)

نام مجموعه داستان		تعداد شخصیت		جنسیت			هویت شخصیت			گرایش غالب شیوه معرفی شخصیت		نوع شخصیت	
		زن	پسر	مبتنی	منفی	متعادل	مستقیم	غیر مستقیم	پویا	ایستا			
دیدگاه		۵	۵	۵				*			سه دختر گل فروش		
نفرسوم از سمت چپ		۴	۲	۱		۶		*					
ماندگاری		۳	۳	۳				*					
آداب سفر		۳	۲	۱		۴		*	۱				
عطرعربی - فردوس		۵	۱			۶		*					
گیرنده شناخته نشد		۱	۱			۱		*					
نیستان		۲	۲	۲				*					

۲- پیرنگ:

فورستر، داستان را نقل رشته‌ای حوادث، برحسب توالی زمان و پیرنگ را نقل حوادث بر اساس موجبیت و روابط علت و معلول می‌داند. (فورستر، جنبه‌های رمان: ۱۳۸۴)

پیرنگ یا طرح داستانی، یکی از کلیدی‌ترین عناصر داستانی، برای ارزیابی و ارزشگذاری بسیاری از داستانهاست. نویسنده هوشمند، هیچگاه داستان را بر پایه حوادث خلق الساعه نمیچیند و سعی میکند هر حادثه داستانی را با پیشینه‌ی علی آن همراه سازد. روایت داستان، پیرنگ باید انسجام داشته باشد و منطقی و استوار به نظر برسد.

داستانهای دفاع مقدس، از منظر پیرنگ و عناصر تشکیل دهنده آن وضعیتهای متفاوتی دارند. برخی بسیار ساده و زودپاب و برخی ساختار پیچیده‌تری دارند. داستانهای مورد ارزیابی ما عمدتاً

پیرنگ خطی دارند و کمتر از پیرنگهای غیرمنظم و غیرخطی، بهره می‌برند و نویسنده در اکثر داستانها، با رعایت ترتیب روایت از ابتدا تا انتها، سعی دارد داستان را در مسیر مشخصی دنبال کند. این نوع رویکرد، عمدتاً در داستانهای دهه‌های گذشته، بیشتر مشهود است. در داستانهای دهه هشتاد، اگرچه اینگونه روایت‌های داستانی و پیرنگهای خطی تداوم دارد اما برخی آثار نیز خلق میشود که پیرنگهای غیرخطی و چند بعدی دارند و خواننده در جریان روایت داستان، میان گذشته و حال پیوندهای استواری می‌یابد.

مهمترین و برجسته‌ترین نکته‌ای که در ساختار پیرنگ و اجزای آن نمود متفاوتی دارد، توجه جدی نویسندگان، به کشمکشهای درونی و ذهنی قهرمانان داستان است. داستانهای کوتاه جنگی، اگرچه توقع میرود مخاطمه و کشمکش فیزیکی و جسمانی بیشتری داشته باشد؛ اما آنچه مشهود است و به عنوان یک شاخصه، آن است که نویسندگان، بیشتر سعی کرده‌اند درگیریهایی ذهنی و درونی قهرمانان داستانها را طرح کنند و ابعاد مختلف آن را تحلیل نمایند. در این داستانها، بخشی از کشمکشهای درونی شخصیتها، به نوستالژی و آسیبهایی که از آن دوران دیده‌اند، برمیگردد و بخش دیگر نیز، ناشی از عدم درک صحیح افراد جامعه، از شرایط افراد درگیر با جنگ و آسیبهایی آن است.

داستانهایی که دارای پیرنگ باز هستند، اگرچه بسیار اندکند اما گیرایی آنها بالاتر است. این دست از داستانها، بیشتر در آثار متأخرین دیده میشود. نویسندگان این نوع پیرنگهای داستانی، همواره در داستان تلاش میکنند تا ذهن مخاطب را مدتها با آنچه نوشته‌اند، درگیر کنند. از مجموعه‌های موفق، با پیرنگ باز میتوان به برخی داستانهای «سه دختر گل فروش» از «مجید قیصری» و «سریچی از پیچ‌های هزار چم» از «محمد بکایی» اشاره کرد.

جدول زیر به بررسی عناصر پیرنگ و ارزیابی هریک از مجموعه‌ها در رتبه‌های ضعیف، متوسط و قوی پرداخته است.

جدول (۵-۳-۱) پیرنگ

طرح و پیرنگ											نام مجموعه داستان	
ارزیابی کل مجموعه				باز و بسته بودن		مجاب کنندگی		عناصر درونی پیرنگ (گره افکنی و...)				تعداد
خیلی قوی	قوی	متوسط	ضعیف	باز	بسته	ندارد	دارد	قوی	متوسط	ضعیف		
		*			۵	۱	۴	۴	۱		۵	ویزای بهشت
					۵	۱	۴	۴	۱		۵	من قاتل پسران هشتم

				۲	۳	۲	۳	۳	۲		۵	سر پیچی از پیچ های هزار چم
*					۵		۵	۵			۵	آواز پرواز
		*			۴	۱	۳	۳	۱		۴	در سکوت سرد
*				۴	۳		۷	۶	۱		۷	سه دختر گل فروش

۳- درونمایه:

«درونمایه یا مضمون، جهتگیری نویسنده را به زندگی و به طور اخص موضوع داستان نشان میدهد. از این رو نویسنده میتواند زندگی را زشت، زیبا، پوچ، بامعنا، هدفمند، بی هدف، یأس آور، امیدوارکننده، بی-سامان یا سامانمند نشان دهد.» (بی نیاز، ۵۲)

از اصلیتترین عناصری که داستانهای جنگ و دفاع مقدس را از دیگر داستانها متمایز می کند، درونمایه است. بر اساس این نگرش ایدئولوژیکی و ارزشی به داستانها، درونمایه بسیاری از آنها، مشترک است. نویسندگان با پیش رو داشتن مفاهیم اخلاقی و تعلیمی مثل شهادت طلبی، ایثارگری، رشادت و جانبازی و مفاهیمی از این دست، سعی کرده اند دین خود را به رزمندگان هشت سال دفاع مقدس ادا کنند. این نگاه تعهدآمیز، اگرچه از نظر اخلاقی ارزشمند و ستودنی است اما به جهت تکراری و قالبی شدن درونمایه در بسیاری از داستانهای دفاع مقدس، نوعی کاستی و نقص به شمار می آید.

پرداختن یکسویه و محدود به محتوا و مضامین اخلاقی و مکتبی سبب میشود نویسنده، دایره تفکر خود را به دیگر مضامین اجتماعی و سیاسی، کمتر سوق دهد و به طرح دیگر جنبه های جنگ نپردازد. اگرچه در میان نویسندگان این دوره کسانی مانند «احمد دهقان» نگاه متفاوتی به جبهه و جنگ دارد و تاحدی از منظر انتقادی به آن نگریسته است، اما با بررسی آثار داستانی، به راحتی میتوان دور نسبتاً بسته غالب درونمایه ها را برشمرد و محدوده آنها را تعیین کرد.

در داستانهای دفاع مقدس، درونمایه، از مهمترین شاخصهای تمایز داستانهای جنگی این مرزوبوم، با دیگر داستانهای جنگی در تمام دنیا است. تقدس محوری و ارزشمندی داستانهای کوتاه دفاع مقدس، به صورت عمده، مرهون همین عنصر برجسته و متفاوت داستانی است. درونمایه و مضمون محوری داستانهای کوتاه دفاع مقدس، اگرچه با توسعه معنایی خاص خود حوزه وسیعی دارد اما بر اساس چند مؤلفه میتوان آن را در ابعاد ذیل تقسیم و تشریح کرد:

- تعلیمی و اخلاقی:

این بعد از درونمایه، عمده ترین دغدغه نویسندگان در نگارش داستانهای کوتاه بوده است. پیامهای اخلاقی و تعلیمی رزمندگان و شهدا، در محورهای مقاومت، ایثار، تزکیه نفس، روزه و نماز و دیگر موازین اخلاقی و دینی، میتوانند در زیر مجموعه این بعد محتوایی قرار گیرد. از سوی دیگر داستان بررسی شده در این رساله، حدود بیست و یک داستان، رویکرد غالبشان در درونمایه پررنگ ساختن مضامین تعلیمی و اخلاقی و اشاعه

آن در اندیشه‌ها و تفکرات مخاطبین بوده است. به تعبیر دیگر، اگر از منظر نقد اخلاقی داستانهای کوتاه دفاع مقدس را بسنجیم، شاید بتوان گفت با ارزشترین آثار داستانی، صرفاً در حوزه ادبیات داستانی دفاع مقدس قرار میگیرد. نکته‌ای که این بعد را تقویت میکند، اخلاق‌مداری نویسندگان این مجموعه‌های داستانی است، چراکه خود نیز در همان محیط جنگی رشد و بالندگی یافته‌اند و بازتاب این خلقیات در آثار آنان نمود پیدا کرده است.

- فرهنگی و اجتماعی:

رسالت هر اثر هنری، در بعد اجتماعی و فرهنگی و کمک به ارتقای سطح بینش اجتماعی مخاطبین، انکار ناپذیر است. داستانهای کوتاه دفاع مقدس، اگرچه بزرگترین رسالت اجتماعی مردان این مرز و بوم را جهاد و دفاع دانسته‌اند، اما اگر در معنای خاصتر و محدودتر بنگریم، رسالتهای اجتماعی و فرهنگی را نیز هرگز، به باد فراموشی نسپرده‌اند. از این رو، حدوداً بیش از پنج درصد آثار داستانی راه، به درونمایه‌های خاص اجتماعی اختصاص داده‌اند. گفتنی است این درونمایه، در حوزه آسیب‌شناسی اجتماعی و توجه به ارتقای فرهنگ عمومی در مواجهه با جانبازان و همسران و فرزندان شهدا مدنظر است. این‌گونه آثار، سعی دارند ضمن بازتاب رشادتهای رزمندگان، توجه مسئولین و مردم را نیز در بزرگداشت یاد و خاطره آنان همواره حفظ کنند. البته، نمود این درونمایه را بیشتر در آثاری؛ مثل مجموعه داستان «سه دختر گل فروش» و برخی داستانهای «در سکوت سرد» میتوان دید.

- ملی و میهنی:

ایستادگی و پاسداری از میهن، حسی فطری و ملی است. هرکس که قلبش برای ایران میتپد و قلم در دست دارد، شاید اولین رسالت خویش را در اشاعه درونمایه‌های ملی و میهنی ببیند. داستانهای کوتاه دفاع مقدس نیز، در بعد محتواهای ملی و میهنی و اشاعه اندیشه‌های ملی‌گرایانه و تشویق مخاطبین در پاسداری از مرزبوم، سهم عمده‌ای دارند. از این منظر، در میان داستانهای بررسی‌شده، برخی داستانهای «آواز پرواز» و یکی از داستانهای «در سکوت سرد» فرهنگ ملی و میهنی و پاسداری از وطن را مورد توجه قرار داده‌است.

- عاطفی و عشقی:

آموزه‌های عاطفی و مضامین عشقی، اگرچه به نظر در داستانهای کوتاه جنگ، جایگاهی ندارد اما برخی از نویسندگان این مضمون را دستمایه خلق آثار ارزشمندی قرار داده‌اند. طرح این مضمون در آثار جنگی کوتاه قرار دادن رزمنده در میان انتخاب عشق و وظیفه است و با دل‌باختگی همسران به یکدیگر و انتظارها و گریه‌های دردناک در فراق همسر. در هر دو شکل، داستانهای کوتاه، چون حماسه را به عشق و غزل پیوند میدهند، جذابیتشان افزون میگردد. در میان آثار بررسی‌شده، زیباترین داستانها، در مجموعه «آواز پرواز» دیده میشود.

- انتقاد:

مقصود از این مضمون آن نیست که صرفاً داستانی ضد جنگ نگاشته شده و از منظر منفی‌نگرانه، جنگ به تصویر کشیده شده است؛ بلکه مقصود آن است که برخی از داستانهای کوتاه، ضمن طرح موضوع و محتوای مد نظر، سعی داشته‌اند از جامعه، مسئولین و گردانندگان کشور نیز انتقاد کرده، آنها را از آسیبهایی

که به خانواده‌های رزمندگان رسیده است، آگاه نمایند. اینگونه آثار و بازتاب چنین مضامین در داستانهای دفاع مقدس، بیشتر در آثار متأخرین به چشم می‌خورد. در میان آثار بررسی شده، مجموعه داستان «من قاتل پسران هستم» از این حیث برجسته‌تر است.

جدول درونمایه

گرایش عمده درون‌مایه داستان						نام مجموعه داستان
انتقادی	عاطفی و عشقی	ملی و میهنی	فرهنگی و اجتماعی	تعلیمی و اخلاقی	تعداد	
	۱			۴	۵	ویزای بهشت
۳	۱			۱	۵	من قاتل پسران هستم
	۱		۱	۳	۵	سر پیچی از پیچهای هزار چم
	۲	۱		۲	۵	آواز پرواز
		۱	۱	۲	۴	در سکوت سرد
۱	۱		۱	۴	۷	سه دختر گل فروش

۴- صحنه و صحنه پردازی و فضا سازی:

«زمان و مکانی را که در آن، عمل داستانی صورت می‌گیرد، صحنه می‌گویند.» (میرصادقی، عناصر داستان: ۱۳۸۸) در داستان‌نویسی، صحنه‌پردازی و ایجاد فضای متناسب می‌تواند همسنگ با دیگر عناصر مهم داستان، منجر به خلق حس اشتیاق و هم‌حسی در مخاطب گردد. صحنه‌پردازی، قرار دادن خواننده در یک محیط عینی و باور پذیر است.

صحنه‌پردازی، محیط پرورش شخصیتها را در نظر مخاطب مجسم میکند و فضای ذهنی شخصیتها را به مخاطب القا مینماید. توجه خاص به این عنصر می‌تواند در مسیر داستان، در عملکرد شخصیتها نمایان شود؛ مثلاً، اگر یک شخصیت منطقی، در یک فضای سخت و دهشتناک و غیر مترقبه قرار بگیرد، از او انتظار خواهد رفت رفتار منطقی او تحت الشعاع قرار بگیرد و اعمال و رفتارهای احتمالاً نسنجیده از او سر باز زند.

نویسندگان داستانهای دفاع مقدّس، عموماً با وقوف بر اهمّیت صحنه‌پردازی و فضا سازی در داستانهای کوتاه در این دهه، سعی کرده‌اند از طرق مختلف آن را محقق نمایند. تحقّق این عنصر مهم داستانی در داستانها به انحاء مختلف صورت پذیرفته است؛ مثل توصیفهای مستقیم و تصویربرادریهای عینی، از راه گفتگو، استفاده از زاویه‌های دید مناسب، فراهم نمودن زمینه‌های تداعی معانی برای خواننده از طریق عنصر محیطی، توصیفات حالات درونی شخصیتها به کمک عناصر محیطی و تجربیات حاصل از حضور در جبهه‌ها. از مهمترین شگردهای نویسندگی در داستانهای دفاع مقدّس که در القای فضاهای داستانی بسیار مؤثر بوده است و در مفهوم دقیق صحنه‌پردازی، توجه به عناصر محیطی و انعکاس اندیشه‌های شخصیتها و فضای کلی داستانها در آن عناصر طبیعی و محیطی است. از نمونه‌های خوب و اثرگذار این رویکرد، میتوان به مجموعه‌های موفق «من قاتل پسران هستم»، از احمد دهقان و «آواز پرواز» از راضیه تجار و «سه دختر گل فروش» از مجید قیصری، اشاره کرد.

در جدول ذیل، براساس توجه هر یک از نویسندگان به عنصر صحنه‌پردازی و فضا سازی و بکارگیری عمده‌ترین روشهای صحنه‌پردازی، میتوان به صورت مقایسه‌ای، داستانها را بررسی نمود.

جدول صحنه پردازی

گرایش عمده در صحنه پردازی و فضا سازی								نام مجموعه داستان
تعداد داستان	توصیف	گفت و گو مناسب	توجه به زاویه دید	توجه به تداعی معانی محیطی	ارزیابی موفقیت در فضا سازی			
					ضعیف	متوسط	نسبتاً قوی	قوی
۵	۲		۴	۱			*	ویزای بهشت
۵	۲	۲	۴	۱			*	من قاتل پسران هستم
۵	۴	۱	۳	۲			*	سرپیچی از پیچ های هزارچم
۵	۵	۴	۵	۲			*	آواز پرواز
۴	۲			۲			*	درسکوت سرد
۷	۴	۲	۲	۲			*	سه دختر گل فروش

۵- زاویه دید (تک گویی، اول شخص، دانای کل و...):

هر داستان‌نویسی، برای روایت داستان خود، ناچار است یک یا چند نوع زاویه دید را برگزیند. زاویه دید در واقع ابزاری است تا نویسنده به وسیله آن، داستان را روایت کند. زاویه دید یا زاویه روایت، نمایش دهنده شیوه‌ای است که نویسنده با آن مصالح و مواد داستان خود را به خواننده ارائه میکند. (میرصادقی، عناصر داستان: ۱۳۸۸)

نویسنده توانمند، با انتخاب زاویه دید مناسب، امکاناتی را در اختیار میگیرد تا به کمک آن، ارتباط با مخاطب را در داستان بیشتر میکند و موجب میشود تا کشش داستانی، حس همذات‌پنداری و صمیمیت داستان افزونتر شود.

به نظر میرسد، روایت در داستانهای کوتاه دفاع مقدس تنوع و بداعت چندانی ندارد. اکثر زوایای دید به حسب یک دیدگاه روایی سنتی، بدون توجه جدی به کارکرد آن اتخاذ گردیده است. داستانهای کوتاه جنگ، عمدتاً تک آوایی است. عمده ترین نقش در روایت، بر عهده راوی است و حضور راوی در بیشتر زمانها در داستان احساس می شود.

جدول زاویه دید

زاویه دید							نام مجموعه داستان
ترکیبی	تک گویی	نامه نگاری و یادداشت	سوم شخص	دوم شخص	اول شخص	تعداد داستان	
*	۱		۲		۲	۵	ویزای بهشت
*	۱		۲		۴	۵	من قاتل پسران هستم
	۱		۲		۲	۵	سریچی از پیچ های هزار چم
	۱		۳		۱	۵	آواز پرواز
*			۴			۴	در سکوت سرد
*	۱		۳		۲	۷	سه دختر گل فروش

۶- لحن:

در داستان، لحن و فضا رابطه نزدیکی به هم دارند. چنانکه گفتیم، لحن ایجاد فضا در کلام است. نویسنده به کمک این عنصر به بیان احساسات شخصیت‌های خود میپردازد و میکوشد این حس و حال را با مخاطب در میان بگذارد. حالتی که در یک متن ادبی، نظرش را برای شنونده بیان میکند. لحن سخن او، احساسش را نسبت به مخاطبش بیان میکند. (ابرمز، فرهنگ توصیفی اصطلاحات ادبی: ۱۳۸۴)

انواع لحن در داستانها متفاوت هستند: خنده‌دار، گریه‌آمیز، بی‌تفاوت، صمیمی، موقرانه، حماسی، حزن‌آور... نویسنده، با توجه به موضوع و درونمایه‌ای که مدنظر دارد و به تناسب شخصیت‌های داستانی، لحنی خاص را به کار می‌بندد.

اگر نویسنده‌ای دربارهٔ جنگ مینویسد اما صحنه‌های جنگ و خون را به چشم ندیده است، به سختی می‌تواند خواننده را در بازگویی وقایع داستانی با خود همراه سازد.

نویسندگان مجموعه داستانهایی که در این مقاله کار شده عمدتاً کسانی بوده‌اند که توفیق درک فضا و حال و هوای جبهه را داشته‌اند. از این رو قادر به درک این فضا و انتقال آن در لحن و زبان متناسب با هستند.

به توجه به درونمایه و محتوای داستان‌های دفاع مقدس و حال و هوایی که در مجموعه‌ها وجود دارد، از میان شش مجموعه بررسی شده حدود نود درصد داستانها دارای لحنی حزن‌انگیز و دردناک هستند که در این میان سه مجموعه «من قاتل پسران هستم»، «آواز پرواز» و «سه دختر گل‌فروش» از برجستگی بیشتری برخوردار هستند. برخی داستانهای «در سکوت سرد» و «آواز پرواز» نیز از لحنی غرورانگیز و حماسی برخوردارند. تعدادی از داستانهای «سرپیچی از پیچهای هزار چم» لحنی موقرانه و گاه بی‌تفاوت دارند. بین شخصیتها و لحن به کار گرفته شده برای هر کدام از آنها در حدود هشتاد درصد تناسب وجود دارد. لازم به ذکر است که در مورد عنصر لحن به دلیل محدودیت موارد مطروحه، از رسم جدول صرف نظر شده است.

۷- عناوین و نام داستانها

نویسندگان داستانهای دفاع مقدس، در گزینش نام داستانهای خویش، عموماً به موضوع و درونمایه داستانها توجه کرده‌اند. در شش مجموعه بررسی شده، جز مجموعه «آواز پرواز» دیگر اسامی، عنوان یکی از داستانهای همان مجموعه داستان است. شاخصهٔ اصلی انتخاب اسامی در تمامی آثار، تبیین خط مشی فکری حاکم بر مجموعه داستان است.

در مجموعه داستان «من قاتل پسران هستم» و «سه دختر گل‌فروش»، نویسندگان، علاوه بر توجه به روح حاکم بر داستان، از نگاه خویش بر موضوع جنگ پرده برمی‌دارند. در مجموعه داستان «من قاتل پسران هستم»، نویسنده با دادن این عنوان به کتاب، درباره جنگ و اثرات و آسیبهای آن بیشتر سخن به میان می‌آورد و با نگاه انتقادآمیزی که به جنگ دارد آن را مصیبتی دردناک میدانند که حقایق تلخی با خود به همراه دارد.

در ۳۱ داستان بررسی شده، فصل مشترک عناوین مجموعه داستانها را در محورهای ذیل میتوان دید:
- توجه به محتوا و خط مشی فکری و درونمایهٔ اصلی هر داستان؛ مثل شهادت، سلحشوری رزمندگان، ایثارگریها و جانبازیها و... مثل برخی داستانهای مجموعه «آواز پرواز» که این شاخص اصلیترین محورگزینه‌های عناوین داستانهاست.

- اشاره به مکان وقوع حادثه جنگی و توصیف رشادتها در آن منطقه؛ مثل داستانهای «عاشورا در موصل» و «تپه رحمان» از مجموعه «در سکوت سرد» و «دیدگاه» از مجموعه «سه دختر گل‌فروش».

- توجه به موضوع مطرح شده در داستان مثل بمبارانهای هوایی در داستانهای نظیر «روز دوازدهم» از محمد بکایی و «بن بست» از احمد دهقان.
- توجه به شخصیت اول داستان و تأکید جدی در پرورش و توصیف آن شخصیت مثل داستان «سایه هما» در مجموعه داستان «ویزای بهشت».
- توجه به وجوه ادبی و بکارگیری صنایع ادبی در گزینش اسامی داستانها یا مجموعه داستانها. از نمونههای متعدد آن میتوان به «ویزای بهشت» و «مرد توفان» از مجموعه «ویزای بهشت»، «پرواز سبز» از مجموعه «آواز پرواز» و «در سکوت سرد» از مجموعه‌ای به همین نام، یاد کرد.

نتیجه‌گیری

نتایج بررسی و تحلیل عناصر داستان در هر یک از محورهای بدین صورت است:

- ۱- شخصیت: در تمامی داستانها شخصیت‌های مرد غلبه دارند و از نظر هویتی شخصیتها عمدتاً مثبت و متعادل هستند. به طوریکه در «ویزای بهشت» فقط یک شخصیت منفی، در «سریچی از پیچهای هزار چم» دو شخصیت منفی و در داستان «در سکوت سرد» چهار شخصیت منفی حضور دارند. در معرفی شخصیتها به صورت متعادل از شیوه مستقیم و غیر مستقیم استفاده شده است و از نظر نوع شخصیت حدود ۲۴ درصد آنها پویا و ۷۶ درصد ایستا هستند.
- ۲- پیرنگ: از نظر عناصر درونی به غیر از ۶ داستان که پیرنگی متوسط دارند، ۲۵ داستان دارای پیرنگی قوی هستند. مجاب‌کنندگی در ۲۶ مورد وجود دارد و ۵ داستان مجاب‌کنندگی ندارد. پیرنگها در ۲۵ مورد بسته و ۶ داستان پیرنگی باز دارند و این نشانگر آن است که نویسندگان در اغلب موارد میخواهند تکلیف داستان را به دست خویش روشن کنند و آن را به ذهن و تخیل مخاطب واگذار نمیکنند. ارزیابی کلی مجموعه «در سکوت سرد» در این بخش متوسط، «ویزای بهشت» قوی و بقیه، خیلی قوی هستند.
- ۳- درونمایه: گرایش عمده در ۱۶ داستان به زمینه تعلیمی و اخلاقی تعلق دارد. گرایش عاطفی عشقی با ۵ مورد، انتقادی با ۴ مورد، فرهنگی و اجتماعی با ۳ مورد و ملی و میهنی با ۲ مورد در رده‌های بعدی هستند. این مسئله نشان میدهد که نویسندگان دفاع مقدس با گرایش به زمینه تعلیمی و اخلاقی نوعی تعهد برای خود قائل بوده‌اند.
- ۴- صحنه‌پردازی: ۲۱ داستان از طریق توصیف، ۹ داستان به شیوه گفتگو ارائه شده. از نظر توجه به زاویه دید مناسب ۱۸ داستان برجستگی دارند، در ۱۰ داستان به تداعی معانی توجه شده و در ۱۳ داستان عناصر محیطی ملاک قرار گرفته است. از حیث ارزیابی موفقیت در فضا سازی و صحنه پردازی به غیر از «ویزای بهشت» و «در سکوت سرد» که وضعیتی «نسبتاً قوی» دارند، بقیه مجموعه‌ها «قوی» هستند.
- ۵- زاویه دید: ۱۱ داستان زاویه دید اول شخص، ۱۶ داستان سوم شخص (دانای کل) و ۶ داستان زاویه دید تک‌گویی دارند. ۴ داستان نیز به صورت ترکیبی روایت شده‌اند. زاویه دید سوم شخص، نویسنده بر فضای

داستان حاکم میکند و جریان داستان را آنگونه که خود میخواهد پیش ببرد. از اینرو، بسامد بیشتری نسبت به صورتهای دیگر آن دارد.

۶- لحن: ۹۰ درصد داستان حزن انگیز و دردناک هستند! بقیه از لحنهای حماسی و غرور انگیز و موقرانه بهره میبرند.

۷- عناوین و نامگذاری داستانها: در این زمینه عمدتاً به موضوع و درونمایه آنها توجه شده است و جنبه ادبی آنها پررنگ است. در تمامی داستانها غیر از «آواز پرواز» اسامی آثار، نام یکی از داستانهای همان مجموعه است.

Archive of SID

منابع:

- آواز پرواز، تجار، راضیه، نشر شاهد، ۱۳۸۶
- ادبیات دفاع مقدس، سنگری، محمدرضا، انتشارات بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس، ۱۳۸۹
- جنبه‌های رمان، فورستر، ادوارد مورگان، ترجمه ابراهیم یونسی، نگاه، ۱۳۸۴
- جنگی داشتیم داستانی داشتیم، پرسی نژاد، کامران، نشر صریر، ۱۳۸۴
- چگونه ادبیات داستانی را تحلیل کنیم، کنی، ویلیام پاتریک، ترجمه مهرداد ترابی نژاد و محمد حنیف، زیبا ۱۳۸۰
- چهارده مقاله درباره داستان، پرسی نژاد، کامران و دیگران، نشر صریر، ۱۳۹۰
- داستان کوتاه، رید، یان، ترجمه فرزانه طاهری، نشر مرکز، ۱۳۷۶
- دانشنامه نظریه‌های ادبی معاصر، مکاریک، ایرناریما (چاپ دوم)، ترجمه محمد نبوی و مهران مهاجر، آگه، ۱۳۸۴
- درآمدی بر داستان نویسی و روایت شناسی، بی‌نیاز، فتح الله، چاپ سوم، تهران، نشر افراز، ۱۳۹۲
- در سکوت سرد، گودینی، محمدعلی، انتشارات هزاره ققنوس، ۱۳۸۵
- سبک شناسی، محمود فتوحی، نشر سخن، تهران، ۱۳۹۰
- سرپیچی از پیچهای هزار چم، بکایی، محمد، انتشارات نیلوفر، ۱۳۸۲
- سه دختر گل فروش، قیصری، مجید، نشر سوره، ۱۳۸۴
- شخصیت‌پردازی در داستانهای کوتاه دفاع مقدس، بارونیان، حسن، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس، ۱۳۸۷
- صد سال داستان نویسی در ایران، میرعابدینی، حسن، نشر چشمه، ۱۳۷۷
- عناصر داستان، اسکولز، رابرت، (چاپ سوم)، ترجمه فرزانه طاهری، نشر مرکز، ۱۳۸۷
- عناصر داستان، میرصادقی، جمال، (چاپ ششم)، انتشارات سخن، ۱۳۸۸
- فرهنگ توصیفی اصطلاحات ادبی، آبرمز، ام.جی (چاپ دوم)، ترجمه سعید سبزیان، نشر مرکز، ۱۳۸۴
- کلیات سبک شناسی، شمیسا، سیروس، (چاپ نهم)، انتشارات فردوس، ۱۳۷۲
- کندوکاوی پیرامون ادبیات داستانی جنگ و دفاع مقدس، حنیف، محمد و محسن، پژوهشگاه علوم دفاع مقدس، ۱۳۸۸
- من قاتل پسران هستم، دهقان، احمد، نشر افق، ۱۳۸۳
- نظریه‌های ادبی، ایگلتون، تری (چاپ ششم)، ترجمه عباس مخبر، نشر مرکز، ۱۳۹۰
- نظریه‌های نقد ادبی معاصر (صورتگرایی و ساختارگرایی)، علوی مقدم، مهیار سمت، ۱۳۷۷
- ویزای بهشت، جعفری مقدم، عباس، انتشارات صریر، ۱۳۸۷
- هنر داستان نویسی، یونسی، ابراهیم (چاپ هشتم)، تهران، انتشارات نگاه، ۱۳۸۴